

بیانیه مجامع اسلامی ایرانیان بمناسبت پنجاهمین سال کودتای ۲۸ مرداد

۲۸ مرداد، پنجاهمین سال کودتای امریکائی - انگلیسی علیه حکومت ملی دکتر محمد مصدق است.

کودتائی که تاریخ ایران، بلکه منطقه را دگرگون ساخت و سرنوشت شومی را به ملت ما و دیگر ملت‌های منطقه تحمیل نمود. حکومت دکتر مصدق با ملی کردن صنعت نفت، احساس غرور و توانائی مبارزه با ابرقدرتهای سلطه‌گر و زیست در استقلال را در مردم ایران و دیگر ملل زیر سلطه برانگیخت و منشأ تحولات بزرگی گشت.

دکتر مصدق، با تنی رنجور و عزمی استوار، در دادگاه لاهه حاضر شد و دفاع او از حقوق ملتش، به پیروزی وی و شکست امپراطوری انگلیس انجامید. این عمل به مذاق سلطه‌گران و ماوراء ملیها که در واقع تصمیم گیرندگان اصلی نظامهای سلطه‌گر و عامل غارت و چپاول ملت‌های تحت سلطه اند، خوش نیامد. ایران تحت تحریم و محاصره اقتصادی قرار گرفت. اما حکومت دکتر مصدق با اتخاذ تدابیر بایسته، این بار نیز، سلطه‌گران را ناکام گرداند.

آمریکا و انگلیس استقرار حکومت مردمی و نظامی مردمسالار در ایران را خطری جدی برای منافع خود در منطقه می‌دانستند. لذا چاره را در سرنگونی حکومت ملی مصدق دیدند. با تجربه ای که انگلستان در ناکام گذاشتن جنبش مشروطیت و کودتای ۱۲۹۹ توسط عوامل خود از جمله سید ضیاء طباطبائی و رضاخان پهلوی داشت، با تفاق آمریکا، وارد عمل شدند.

این بار نیز با همکاری عوامل ایرانی «پیرو خط وابستگی و استبداد»، یعنی خط سید ضیاء، فرزند رضاخان را به خدمت گرفتند و دست بکار سرنگون کردن حکومت ملی مصدق و از میان بردن خط استقلال و آزادی شدند.

امروز، اسناد منتشره در باره کودتای ۲۸ مرداد و چگونگی انجامش، حکایت از این دارند که در روز ۲۵ مرداد، کودتا باشکست مواجه شد. حکومت امریکا دستور داد به عملیات خاتمه داده شود. اما، از آن روز به بعد، آیات الله کاشانی و بهبهانی و آنها که به نهضت ملی ایران پشت کرده بودند، دست بکار شدند و با استفاده از روش کار پذیرانه حزب توده که حتی در برابر زمینه سازی‌هایی که بنام آن حزب انجام می‌گرفتند واکنش نشان نداد، از سوئی، و رفتارهای خطایش از سوی دیگر، در ۲۸ مرداد، کودتا را به نتیجه رساندند. در گزارش سیا در باره کودتای ۲۸ مرداد چنین آمده است:

«... عصر هنگام، فعال ترین زمان ایستگاه سیا بود. عاملان اصلی، فرخ کیوانی و علی جلالی رسیدند و تعلیماتی دادند. در محل سفارت، روزولت و کارول با سران تیم خود، شورای جنگی طولانی تشکیل دادند. سرلشکر زاهدی و اردشیر زاهدی و سر تیب گیلان‌شاه و برادران رشیدیان هر سه، و سرهنگ فرزندگان در این شورا شرکت داشتند. بعضی از این افراد در بیرون سفارت سکونت داشتند، آنها را در جیب رو بسته و یاد حال خوابیده در کف خودرو، به سفارت آوردند...

... شورای جنگی ۴ ساعت به طول انجامید. در پایان تصمیم گرفته شد بعضی عملیات باید چهارشنبه ۱۹ اوت به عمل آیند. برای تدارک این عملیات چند فعالیت خاص باید به اجرا گذاشته میشدند:

در قلمرو سیاسی، تصویب شده که آیه الله بهبهانی به قم فرستاده شود و او بکوشد آیه الله بروجردی را به صدور فتوائی برانگیزد. فتوائی که آیه الله بهبهانی می‌باید می‌گرفت اعلان جهاد بر ضد کمونیسم بود. در همان روز باید تظاهرات بزرگی با این شعار برپا می‌شدند: "وقت آن رسیده که افسران وفادار ارتش و سربازان و مردم به حمایت دین و سلطنت برخیزند..."

... افراد ایستگاه سیا در تهران تمامی کوشش خود را بکار می‌بردند تا تصمیمات ۱۶ اوت را به عمل در آورند و نیز خود را برای رویارویی با هر احتمالی آماده می‌کردند. در پیامی به مرکز سیا، ایستگاه تصمیم گرفت وسایل لازم را برای تخلیه مخفیانه حدود ۱۵ نفر از ایران آماده کند.

پیام دیگری نظر نظامیان ایران را منتقل میکرد. بنا بر آن، شاه باید دستورهای خود را از طریق رادیو، ابلاغ کند و بالاخره از مرکز پرسید: آیا ایستگاه باید به اجرای نقشه آژاکس (نامی که بر عملیات کودتا نهاده بودند) ادامه دهد و یا از آن دست بردارد. ایستگاه انتشارت سروس در نیکوزیا از شکست اولیه کودتا (۲۵ مرداد) ابراز تأسف کرده و گفته است همه کار می‌کند تا لندن را به لزوم پشتیبانی از ایستگاه در ادامه دادن به کوششها متقاعد کند...

... عصر هنگام، خسونت در خیابانهای تهران مستقر شد. مشکل می‌توان گفت چه امری علت اصلی آن بوده است. اما می‌توان عوامل آن را بر شمرد:

عامل اول، پرواز شاه مردم را آگاه کرد که مصدق تا کجا رفته است و مردم با نیروهای خشمگین در آمیختند که هوادار شاه بودند. عامل دوم، روشن بود که حزب توده توانائی خود را بیش از آنچه بود، ارزیابی کرده بود. این ارزیابی نادرست یا از رابطان حزب با شوروی و یا از رهبران حزب و یا افراد حزب بود. در طول روز، حزب نه تنها مجسمه های شاه را پائین کشیده بود بلکه پرچم خود را نیز بر افراشته بود و همچنین،

حزب تابلوهای اسامی خیابانهایی را که به نام پهلوی بودند، و یا یادآور رویدادهایی بودند که بابرقراردادن سلسله پهلوی ربط داشتند، بر میداشت و به جای آنها تابلوهایی از اسامی "مردمی" نصب می‌کرد. به نظر می‌رسید، حزب آماده دست زدن به آخرین کوشش برای استقرار "دمکراسی توده" ایست. براین باور که مصدق با حزب سرشاخ نمی‌شود و یا که حزب موفق می‌شود او را در خیابانها شکست دهد. عامل سوم، اینکه حکومت مصدق شروع کرد به نگران شدن بابت وحدتش با حزب توده ...

... عامل چهارم که طرح بود و در صفحات اول گزارش شرح شد، به اجرا گذاشته شد. بنابراین طرح، به نام حزب توده، باید ترس و وحشت ایجاد می‌شد. در این عصر دستجات توده‌ایهای قلابی، در خیابانها به حرکت درآورده شدند. مأموریتشان این بود که در لاله زار و خیابان امیریه و هرجای دیگر که ممکن است، به مغازه‌ها حمله و آنها را غارت کنند و به مردم بیاوراند که این حزب توده است که دست به این کارها می‌زند....»

درباره قسمت‌هایی از این گزارش توضیحاتی لازم به نظر می‌رسند:

۱ - بنابر تحقیق مارک گازیوروسکی، آیه الله بروجرودی به بهبهانی پاسخ منفی می‌دهد و حاضر نمی‌شود در خیانت کودتا شرکت کند.
۲ - عصر روز ۲۷ مرداد و روز ۲۸ مرداد دستجات او باش را دو "آیه الله" بهبهانی و کاشانی به راه انداختند. برادران رشیدیان همکار بهبهانی در به راه انداختن این دستجات بودند.

۳ - در ۲۷ مرداد، نخست اعضای حزب توده، در دستجاتی به راه افتادند. در پی این رفتار خطا بود که طرح "توده ایهای قلابی" به اجرا گذاشته شد. گزارش سیا را دنبال می‌کنیم:

«... مرکز سیا، روزی را با کزکردگی و ناامیدی به شب رساند. رشته کار و رهبری آن از ید سیا بیرون رفت و در دست عالیترین مقامها قرار گرفت. عده ای از افراد مشغول تهیه پیامی شدند که دستور متوقف کردن عملیات بود. عصر هنگام، پیامی فرستاده شد که بر مبنای نظر وزارت خارجه تهیه شده بود:

"نقشه به اجرا گذاشته شد و عملیات شکست خوردند."

موضع دولت انگلیس این بود:

"ما باید تأسف بخوریم از اینکه نمی‌توانیم وارد جنگ بشویم" و موضع مرکز سیا چنین بود: "با وجود فقدان توصیه‌های قوی مخالف با پایان دادن به عملیات، از سوی هندرسون و روزولت، عملیات بر ضد مصدق باید متوقف شوند...."

سپس در ظهر ۲۷ مرداد، وزارت خانه‌های خارجه انگلیس و امریکا و مرکز سیا، دستور توقف عملیات ضد حکومت مصدق را صادر می‌کنند. از این ساعت ابتکار عمل بدست خط سید ضیاء و به خصوص دو آیه الله بهبهانی و کاشانی می‌افتد و با استفاده و به نام مبارزه با حزب توده، آنها گروههای چماقدار را، با توزیع دلارهای دریافتی از سیا (بنا به گزارشی در این روز حتی فرصت نکردند تا دلارها را تبدیل کنند و اسکناس دلار بین عوامل خود توزیع کردند) به راه انداختند و شکست سیا و انتلیجنت سرویس را به پیروزی برگرداندند. این دو، با متوقف کردن روند مردمسالاری، به تداوم نظام کودتایی وابسته و مستبد پهلوی کمک کردند.

همانطور که در این مختصر آمد، قدرتهای سلطه‌گر عموماً و در مورد ایران و کودتای ۲۸ مرداد، امریکا و انگلیس خصوصاً، برای اجرای طرحهای سلطه جویانه خود، نیاز به عوامل داخلی داشتند. اما نیاز خائنان به مردم و عاشقان قدرت به وابسته شدن بیشتر است. از این روست که ظهر ۲۷ مرداد، امریکا و انگلستان منصرف می‌شوند اما قدرت طلبان داخلی دست بر نمی‌دارند و شکست کودتا را در ۲۸ مرداد به پیروزی آن بدل می‌کنند. اگر موفق می‌شوند، یکی بدین خاطر است که وجدان بر آزادی و استقلال در ایران فرهنگ نشده است. از این رو، رود رویی خط استقلال و آزادی با استبداد و وابستگی ادامه دارد.

پس از انقلاب، نقش بقائی و حسن آیت و «روحانیتی» که در پی کسب قدرت بود، در اجرای طرح گروگانگیری و استقرار ولایت مطلقه و زد و بندهای پنهانی با گروه ریگان - بوش، برای به تأخیر انداختن آزادی گروگانها تا انتخاب شدن ریگان به ریاست جمهوری (بهشتی گفته بود «گروگانها را مثل یک آتو بر ضد کارتر و بنی صدر بکار می‌بریم) و جلوگیری از اجرا شدن پیشنهاد صلح که از سوی کنفرانس کشورهای غیر متعهد بعمل آمده و ایران با آن موافقت کرده بود (سران حزب جمهوری اسلامی با این شعار که «نصف ایران برود بهتر از آنست که بنی صدر پیروز شود» عامل سیاستی شدند که آن را آلن کلارک، وزیر دفاع در حکومت تاچر اینطور بیان کرد: جنگ ایران و عراق بسود انگلستان و غرب بود اسباب بروز و ادامه اش را فراهم کردیم) سپس اجرای کودتای خرداد ۶۰ بر ضد منتخب مردم و توقف روند مردمسالاری، امروز بر همگان آشکار است.

نقش پهلوی طلبها در جنگ و همکاریشان با عراق و آنگاه دلالی اسلحه، نقش استالینیستها در ایجاد برخوردهای خشونت آمیز و نیز جنگ کردستان و جنگ ایران و عراق و بالاخره نقش تمامی زورپرستان و دولتهای سلطه‌گر در کودتای خرداد ۱۳۶۰، همان نقشی است که همین زورپرستان در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بازی کردند. بر آنها که در خط آزادی و استقلال بود که علامتهائی را بموقع می‌دیدند که آقای خمینی بروز می‌داد (از جمله، در واکنش غیظ‌آمیز به محبوبیت مصدق نزد مردم، گفت: این استخوان پوسیده را رها کنید. در برابر، به

آنها که در خط کاشانی بودند، پر و بال می داد).

امروز، ۵۰ سال پس از کودتا بر ضد حکومت مردمی مصدق، که مظهر غرور ملی بود و قریب به ۲۵ سال پس از انقلاب ۵۷ که مجدداً سربلندی و افتخار به ایرانی داد، هنوز ضلعی از مثلث زورپرست، ملت بزرگ ایران را بنام مذهب با اختناق و سرکوب از حق حاکمیت خود محروم ساخته است و بنام ولایت مطلقه جانیانی را به حکومت برآنان گمارده است. ضلعی دیگر، خاندان پهلوی و عوامل آن که با همکاری سیا و انتلیجنت سرویس با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر سرکار آمد و مظهر تحقیر ملی شد، علیرغم عذرخواهی وزیر خارجه آمریکا از ملت ایران بابت شرکت در کودتای ۲۸ مرداد، این کودتا را قیام ملی می خواند و با استفاده از جنایت و خیانت ملاتاریا که حد نمی شناسد، از ملت ایران طلبکار نیز شده و بعضاً خواهان عذرخواهی ملت از راندن آنها و کوتاه کردن دستشان از منابع ملی ایران می شود. و در خیال آنست تا مجدداً، با مداخله نیروی خارجی، به قدرت بازگردد و این بار آنچه را از شیخ برای این ملت بازمانده است از نو شاه بریاید. ضلع دیگر آن که به خدمت صدام رفته بود با سرنگونی او ابراز آمادگی کرده است که در خدمت قدرت حاکم بر عراق درآید.

در برابر این مثلث، آزادیخواهان و مبارزان راه استقلال و آزادی به همراه ملت ایران در کوشش برای استقرار مردمسالاری در ایرانند. امروز خط استقلال و آزادی نزد کادرها و روشنفکران ایرانی اکثریت را یافته است و فکر و اندیشه مردمسالاری که در دهه های قبل عمومیت نداشت، نزد اکثر مردم به ضرورتی برای زندگی بهتر در آزادی و استقلال تبدیل شده است. تداوم جنبشهای آزادیخواهانه در ایران شاهدهی براین مدعا است که ملت ایران مصمم است حاکمیت را از آن خود سازد و در این حاکمیت قدرتمنداری را شریک خود نکند. این شعار دانشجویان به روشنی پایان بخش سخن ماست.

نه شاه میخواستیم نه رهبر نه جنتی نه اکبر

مجامع اسلامی ایرانیان